



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز قمی! امیدوارم برکات و الطاف مستمر الهی بر یکایک شما و بر همه ی مردم عزیز قم، بخصوص خانواده های معظم شهیدان و جانبازان و ایثارگران - که در میان شما هستند - بیبارد و رفع همه ی مشکلات را به دنبال داشته باشد؛ و امیدوارم فیض الهی روز به روز بیش از گذشته بر شما نازل شود.

یاد روزهای پُر حماسه و پُر شورش قم، بخصوص نوزدهم دی، از خاطره ی ملت ایران محو نخواهد شد. قم همچنان که مطلع قصیده ی بلند نهضت اسلامی در سال 1341 بود، سرآغاز ماجرای عظیم و پُر افتخار پیروزی انقلاب در سال 1356 هم شد. امروز ما بعد از بیست و هشت سال، یاد آن روز و یاد شهیدان مظلوم آن روز و یاد آن حرکت حماسی بی نظیر و بی سابقه را باید گرامی بداریم و دست تضرع و ابتهال نزد پروردگار عالم بلند کنیم به دعا و از خداوند متعال علو روح آن شهیدان و دوام توفیقات مردم قم را که در طول سال های متمادی - چه در دوران دفاع مقدس، چه بعد از آن - این روحیه را حفظ کرده اند، مسألت کنیم.

فردا، روز عرفه است؛ روز دعا و ذکر و تضرع و ابتهال و راز و نیاز است؛ بخصوص شما جوان ها قدر این روزهای بزرگ و این ساعات باارزش را بدانید. همین رابطه ی با خداست که سینه ها و دل ها را منشرح می کند؛ راه را برای انسان باز می کند؛ عزم و اخلاص به انسان می دهد؛ به کارها برکت می بخشد؛ توفیق الهی را بر سر انسان سایه گستر می کند و نتیجه ی آن، پیشرفت در خط اصیل ارزش های اسلامی است. این روزها و این ساعات باارزش را هرگز از دست ندهید.

قیام مردم قم به برکت همین اخلاص، به قیام جهانی اسلام منتهی شد. امروز شما هر نقطه یی از دنیای اسلام را که نگاه کنید، مشاهده می کنید که انگیزه ی حاکمیت و عزت اسلام در دل مردم و بخصوص جوان ها، دانشگاهیان، روشنفکران موج می زند؛ که در گذشته اینها نبود. کلمه ی حق، کلمه ی طیبه، همین است که: «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء توتی اکلها کلّ حین یاذن ربّها». کار مردم قم، کلمه ی طیبه بود. کار امام - که با اخلاص کامل این حرکت را شروع کرد - کلمه ی طیبه بود. این کلمه ی طیبه به بار نشست؛ چه کسی خیال می کرد؟!

امام از روز اول فرمود: ما مأمور به تکلیفیم، نه به نتیجه؛ این، عین اخلاص است؛ محض اخلاص است؛ فقط برای خداست که ذره یی قدرت طلبی و جلب حطام مادی در این چنین دلی وجود ندارد. امام به تکلیف خود که مأموریت او بود عمل کرد، خدا هم نتیجه را به او داد: دنیا از صدای امام پُر شد. ما آن روزها نه بلد بودیم تبلیغات بکنیم، نه ابزارهای تبلیغاتی در اختیار انقلاب و نظام نوپا بود، با این وصف، وقتی کسی به هر نقطه یی از دنیای اسلام و حتی بیرون از دنیای اسلام قدم می گذاشت، نفس امام، نام امام، یاد امام را در آن جا زنده می دید؛ خداوند متعال این گونه به کلمه ی طیبه برکت می دهد و آن را پیش می برد. البته در طول زمان، برای پاک کردن جای پای امام و خط امام خیلی تلاش کردند، ولی امروز بعد از بیست و هفت سال که از آغاز آن نهضت عظیم و پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی گذشته است، شما می بینید که رایحه ی خدمتگزاری به مردم با تکیه ی بر شعارهای انقلاب، در سرتاسر کشور، استشمام می شود و بار دیگر شعار خدمتگزاری، شعار پاسخگویی، شعار ساده زیستی، شعار عدالت طلبی، از شعارهای رایج است؛ این، برکت انقلاب است. اگرچه هنوز کسانی هستند که مردم را دعوت به تسلیم و ذلت در مقابل دشمنان نابکار می کنند؛ اما مردم راه خودشان را پیدا کرده اند.

یک نکته یی را به مناسبت حضور فضلالی حوزه ی علمیه در این جلسه صمیمی عرض کنیم و در حقیقت پیام به فضلالی حوزه است: انقلاب مانند هر حرکت اجتماعی عظیم ماندگار، احتیاج به سوخت دارد؛ این ماشین بدون سوخت متوقف می شود؛ سوخت فکری. روزبه روز با توجه به تحولات جهانی، با توجه به حوادث جدید، سؤال ها و ابهام های تازه یی در ادامه ی این راه مطرح است. از طرفی، قبل از آن که نوبت به عمل برسد، نوبت فکر و پردازش تفکر راهنماست و این، خاص آشنایان به مبانی اسلام است؛ و بدیهی است که دشمنان، همین نقطه را هم مثل



بقیه ی نقاط حساس هدف می گیرند. بنابراین، فضیلتی برجسته ی حوزه، نباید گوش شان بدهکار تلاش دشمن باشد و باید بدانند که فکر جدید، مفاهیم جدید و راه های نو، مدد فکری برای پیشرفت این حرکت است. امروز ما نسبت به اوایل انقلاب درباره ی مبانی نظام اسلامی، به برکت تلاش دین شناسان و عالمان - چه در دانشگاه، چه در حوزه - روشن بینی های بیشتر و مفاهیم تازه تری را در اختیار داریم، که این پشتیبانی فکری باید ادامه پیدا کند. امروز چشم دنیا به شماست؛ حالیا! چشم جهانی نگران من و توست.

يك روز تفكرات چپ حاكم بود؛ ماركسيسم و سوسياليزم در دنيا براي جوان ها جاذبه داشت؛ اما امروز نيست. يك روز تفكرات ناسيوناليستي و ملت گرایی های افراطی در دنيا دل بعضی را می بُرد؛ اما امروز اینها کهنه شده است. يك روز ليبراليسم غربی و منطق دولت های سرمایه داری دم از گسترش جهانی می زد و می گفت همه ی دنيا بايد ما را بپذيرند؛ اما امروز ليبرال دمكراسی غرب خودش را با کارهای امریکا مفتضح کرده است؛ اروپا هم همین طور است و آنها هم شنیدن حرفی را که بر خلاف منافع ملی شان باشد، تحمل نمی کنند؛ روسری دختران مسلمان را نمی توانند تحمل کنند؛ امنیت شهروندان شان را به جرم مسلمان بودن، به جرم رنگین پوست بودن، نمی توانند تأمین کنند؛ این لیبرال دمکراسی غرب است. همین هایی که ادعا می کردند همه ی دنیا مال ماست؛ ماییم که باید فکر اساسی و ایدئولوژی جهانی را به مردم دنیا بدهیم (!) این رفتار خودشان است در اروپا و امریکا؛ اینها دیگر حرفی برای گفتن ندارند.

شعار عدالت طلبی همچنان زنده است؛ شعار کرامت انسانی همچنان زنده است؛ اینها متعلق به اسلام است؛ اینها متعلق به جمهوری اسلامی است. خط روشن حرکت ملت که برخاسته از ایمان و رأی مردم است و مظهر آن «مردم سالاری دینی» است، همچنان جذاب است. امروز ملت ها و روشنفکران مسلمان این حرف ها و این حوادث را می بینند و آنها را مطالعه می کنند و نگاه شان به ایران است؛ نگاه شان به حرکت شماست. دشمن شما هم که استکبار جهانی است و مظهر آن هم امریکاست، امروز پا در گل مانده است؛ در عراق از لحاظ سیاسی شکست خوردند - این را خودشان هم اعتراف می کنند. آن چیزی که آنها می خواستند در عراق اتفاق بیفتد، عکس آن اتفاق افتاد - در فلسطین شکست خوردند - جلا و قصاب فلسطینی ها که آمده بود سه ماهه انتفاضه را نابود کند، خود او به وسیله ی حرکت انتفاضه نابود شد؛ طرح نقشه ی راه و خاورمیانه ی بزرگ و این حرف های خیالاتی امریکا هم شکست خورد - حالا امروز به پر و پای سوریه و لبنان پیچیده اند و می خواهند با نفوذ در مجموعه ی همسایه ی صهیونیست ها، راهی به کشورهای دیگر عربی و اسلامی پیدا کنند. آنها از این طرف مایوس شده اند؛ اما آن جا هم نمی توانند کاری بکنند؛ در آن جا هم، اگر هشیاری ملت ها و رهبران باشد، باز امریکا و همه ی متحدان غربی اش پا در گل خواهند ماند.

ملت ایران در طول این بیست و هفت سال پیش رفته است؛ موفق شده است. وضع امروز کشور ما قابل مقایسه با وضع بیست و هفت سال قبل نیست. جوانان ما، فضیلتی ما، روشن بینان و روشنفکران ما رشد کرده اند و پیش رفته اند؛ ملت ما، علی رغم همه ی بدخواهی ها و ملعنات هایی که دشمنان در تبلیغات شان کرده اند، به مبانی انقلاب پایبندتر و علاقه مندتر شد، که نمونه اش را در همین انتخابات ریاست جمهوری دیدید؛ ملت به شعارها رأی داد؛ شعار عدالت طلبی، شعار خط امام، شعار پایبندی به ارزش های اسلامی؛ ملت دور این محورها جمع شدند. بحمدالله مسؤولان هم توانستند خودشان را در عرصه ی حرکت، به مردم نشان دهند. امروز بحمدالله همت و حرکت مسؤولان ما - مسؤولان دولتی، نمایندگان مجلس - برای پیشرفت به سمت مبانی و ارزش های انقلاب ستودنی است؛ آنها کار می کنند و حرفهایی را که گفته شده، به مرحله ی عمل نزدیک می کنند. برای يك ملت، چه از این بالاتر؛ و چه از این زیباتر و شیرین تر؟ بدخواهان جمهوری اسلامی هم همین مسائل را می بینند. امروز به حول و قوه ی الهی، ملت و دولت ایران در صحنه ی بین الملل هم از ابهت و اقتدار، بیش از گذشته، برخوردار است. حرف های منطقی بی این جا مطرح می شود. همین پیشنهاد منطقی مشارکت کشورهای اروپایی و غیراروپایی در برنامه های سوخت هسته ای ایران، يك پیشنهاد منطقی است؛ بیایند شریک بشوند؛ بیایند این جا همکاری کنند، ما که از حق مسلم خودمان دست بر نخواهیم داشت؛ این که واضح است. این، حق ملت است و



کسی قادر نیست از این حق صرف نظر و اغماض کند؛ مردم این را می خواهند و مال آنهاست؛ کسی اینها را عاریه نداده است، تا بتواند از این مردم بگیرد؛ بحمدالله اینها از استعداد جوان های ما جوشیده است. البته این جوشش، فقط در مسأله ی هسته یی نیست، بلکه در بسیاری از زمینه ها همین جوشش و همین پیشرفت، نوآوری و ابتکار وجود دارد. آنها بیایند شریک بشوند؛ هیچ اشکالی ندارد. این، یک پیشنهاد بود که رئیس جمهور محترم مطرح کرد. یک پیشنهاد دیگر هم این بود که در باب حقوق بشر اگر نگرانی وجود دارد - که ما هم نگران حقوق بشر در کشورهای اروپایی هستیم - از دو طرف نمایندگانی گسیل بشوند و مراقبت کنند؛ نگاه کنند؛ آنها بیایند این جا، ما هم نمایندگانی بفرستیم آن جا، که ببینند وضع حقوق بشر در زندان ها، محاکم و در رفتارهای دولتی و اجتماعی و مدنی آنها چگونه است و چقدر حقوق بشر رعایت می شود. اینها دو پیشنهاد منطقی است، که خیلی خوب است و خیلی بجاست که اروپایی ها این پیشنهادها را بپذیرند. این کارها، ارتباطات ما و غرب را هم پیش خواهد برد، نگرانی ها را هم از دو طرف برطرف خواهد کرد.

آنچه که برای ما امروز فریضه است، یکی حفظ وحدت است، یکی حفظ ایمان و اعتماد به این راه و موفقیت های آینده ی آن. این دو چیز، اساس قضیه است.

اولاً آحاد ملت و گروه های مختلف، وحدت را حفظ کنند. امروز بحمدالله در سطح مسؤولان اتحاد کلمه و همدلی عمیق و صمیمانه وجود دارد؛ این خیلی مغتنم است، که سعی می کنند این را به هم بزنند؛ ولی بحمدالله نمی توانند؛ نتوانسته اند و نخواهند توانست. آحاد مردم و گروه ها و گرایش های مختلف به خاطر اختلافات جزئی، صدایشان را روی هم بلند نکنند. البته اختلافات هست؛ داخل یک خانه هم ممکن است اختلافاتی وجود داشته باشد، اما همه اهل خانه اند؛ همه از این خانه دفاع می کنند؛ همه منافع آن را بر هر چیز دیگری ترجیح می دهند. کسانی که بخصوص تریبون دارند؛ فرصت حرف زدن دارند، نگذارند که دشمن از صدای بلند آنها با یکدیگر، امیدوار بشود به این که می تواند علیه این ملت توطئه کند. وقتی اختلاف هست، آنها امیدوار می شوند؛ آنها احساس می کنند که حالا وقت فشار وارد آوردن است. اگر می خواهند فشارهای دشمن قطع شود، باید این جا انسجام و وحدت را مثل یک صف مستحکم و بنیان مرصوص، حفظ کنند.

و بعد، اعتماد و ایمان به راه را حفظ کنند. در تمام طول این سال ها، دشمنان سعی کرده اند بمب های تبلیغاتی را در محیط ذهنی مردم منفجر کنند، که معنای این تبلیغات همه اش این است که: ای ملت! شما نمی توانید؛ ایرانی! نمی توانی؛ جوان ایرانی! مجبوری تسلیم بشوی؛ مجبوری دستهایت را بالا ببری. البته آنها در داخل هم عواملی دارند - من بارها اشاره کرده ام - که هر وقت احتیاج دارند که یک فکری را در داخل تزریق کنند، این عوامل به کار می افتند و با قلم های حقیر و مزدور خودشان، بنا می کنند اهداف دشمن را در این جا پخش کردن و ترویج کردن؛ اما تا الان تأثیری نکرده است، باز هم باید تأثیر نکند. نخیر، همه چیز ما را به «امید» تشویق می کند؛ همه چیز ما را به «اعتماد به خودمان» تشویق می کند. چرا امیدوار نباشیم؟ مایی که یک روز در فشار دو ابرقدرت - ابرقدرت آمریکا و شوروی سابق - توانستیم خودمان را نگه داریم و بالا بکشیم، مایی که با محاصره ی اقتصادی در طول این سال های متمادی - که هر زمانی به نحوی محاصره ی اقتصادی وجود داشته - توانستیم خودمان را به این رتبه از فناوری و علم برسائیم و بخشی از این خلأها و شکاف ها را پر کنیم، چرا به خودمان امیدوار نباشیم؟ چرا به ملت مان اعتماد نداشته باشیم؟ تاریخ و سرگذشت ما، امید و اعتماد را به ما املاء می کند؛ ما را وادار می کند که امیدوار باشیم. بله، امیدواریم؛ ما می توانیم؛ توانستیم.

اینهایی که امروز دم از محاصره ی اقتصادی می زنند؛ تهدید به تحریم اقتصادی می کنند، کسانی هستند که در طول سال های گذشته، هر جا توانسته اند، این تحریم را اعمال کرده اند. همین الان بعضی از دولت های اروپایی، هنوز وسایلی را که از زمان رژیم طاغوت خریداری شده و پول آنها را هم شاید چند برابر گرفته بودند، به ما نمی دهند! تحریم از این بالاتر؟ آنها در مواردی هم ابزارها و قطعات لازم را به ما ندادند. جوان های ما وقتی دیدند راه از این طرف بسته است، از درون راه باز کردند. برای یک ملت مستقل، این درست است که به درون خودش مراجعه کند؛ در درون خود کاوش کند؛ درمان خود را به دست خودش بسازد؛ والا اگر می خواستیم پشت در خانه ی دیگران دست به



سینه بایستیم - همچنان که سال های متمادی در دوران رژیم طاغوت، این کشور و این ملت را به این روش عادت داده بودند - زندگی مستقلی نداشتیم و همان وضع سابق بود. وقتی ما را تحریم کردند، امام اظهار خوشوقتی کردند و گفتند بهتر! حق با ایشان بود. ما بر اثر تحریم، به خود آمدیم و تحرک پیدا کردیم؛ حالا هم همین طور است. با این حرف ها، ملت ایران را تهدید می کنند؛ این تهدید، فایده یی دارد؟

برادران عزیز! خواهران عزیز! راهی را که قم شروع کرد، روزه روز بازتر، هموارتر، امیدبخش تر و زیباتر شده است و این به برکت ایمان و به برکت اخلاص است. این ایمان و اخلاص و اتحاد کلمه را حفظ کنید؛ اینها موجبات رحمت الهی است و ان شاء الله رحمت و فضل الهی روزه روز بیشتر شامل حال شما خواهد شد.

امیدواریم پروردگار عالم همه ی شما را توفیق بدهد و شما و همه ی ملت ایران را مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته